

## نبرد تمدنی و جانش بانومالیزاسیون فرهنگی

سال‌های زیادی از روزی که الکساندر کنت دومارانث، رئیس سابق دستگاه جاسوسی فرانسه و یکی از نوابع برجسته‌ترین چهره‌های اطلاعاتی جاسوسی غرب از گزاره جنگ جهانی چهارم استفاده کرد، می‌گذرد؛ گزاره‌ای در مورد جنگی که یک طرف آن فرهنگ و تمدن ایرانی است و طرف مقابل آن تمدن غربی. او تنها کسی بود که حمله نظامی شوروی سابق به افغانستان و پیروزی انقلاب اسلامی را در ابتدای سال‌های دهه ۵۰ پیش‌بینی کرده‌بود، شاید به همین علت بود که پیش از وقوع انقلاب اسلامی از لزوم شبکه‌سازی در مساجد و حوزه‌های علوم دینی به منظور کند کردن و به انحراف کشاندن مسیر انقلاب اسلامی به عنوان دشمن بالقوه فرهنگ و تفکر غربی حرف می‌زد. سالیان زیادی از آن روزگار گذشته و به شکست انجامیدن پروژه‌های تغییر نظام از طریق جنگ سخت و نظامی، غربی‌ها و دیگر دشمنان ایران را مجبور کرده است سراغ استحاله درونی و فروپاشی داخلی نظام از مسیر تغییر نگاه‌ها، فرهنگی مردم با رویکردهای متنوعی مثل تغییر مرجعیت و الگوهای کنشگری رفتاری و تفکری بروند؛ پروژه‌ای طولانی‌مدت برای گذار از چهره‌های برجسته انقلابی‌گری و استکبارستیزی به سمت شیشه‌وشکنفکرانی که تحت تفکرات غربی تربیت شده‌اند، البته این تهاجم در لفافه اقدامات فرهنگی و هنری در قالب تولید آثار ی مثل فیلم‌های سینمایی، آثار شبکه نمایش خانگی و صد البته تولید محتوا در حوزه کتاب و نشر است، هر چند دشمنان برای دستنیایی به این اهداف در همه عوالم و عرصه‌های هنری و فرهنگی مشغول فعالیت هستند که یکی از آنها فعالیت‌های عجیب برخی سفارت‌خانه‌های خارجی در کشورمان است که با اهدای نشان‌ها و مدال‌های خاص امیدوار به سربازگیری از درون نیروهای فرهنگی و هنری کشورمان به نفع پیشبرد برنامه‌ها و اهدافشان هستند. واضح است که از دوران پیروزی انقلاب سال‌ها گذشته است اما فعالیت‌های جهت‌دار جاهایی مثل نشر فرانکلین و ترویج و ترجمه آثار چهره‌های برجسته صهیونیستی مثل هانا آرنت با بازنشر «اسناد سفید» در جریان است که وزارت ارشاد باید برای مقابله با آنها طراحی ساختاری و اجرایی را برنامه‌ریزی کند. جهت‌دهی و حمایت از محتوای درست مبتنی بر شاخصه‌های انقلاب اسلامی و تفکر و تمدن اسلامی جزو کارهایی است که باید با سرعت و دقت انجام شود. واقعیت این است که ما با غرب در یک نبرد تمدنی و ایدئولوژیک محض هستیم و برای حرکت و کسب پیروزی در این عرصه نیازمند تبیین و تئوریزه کردن انگار‌های تمدنی و دینی در آثار برجسته فرهنگی و هنری هستیم و باید متوجه باشیم که اگر رویکرد کنشگرانه‌ای در این زمینه نداشته باشیم، خدوآوند به هیچ‌چیزی کمک سفید امضا برای استیلاب دشمن ن داده است ولو یاران پیغمبر در صدر اسلام باشند. وزارت ارشاد و دیگر دستگاه‌های فرهنگی و هنری باید به وظایف و مأموریت‌های راهبردی و استراتژیک خود با همت مضاعفی عمل کنند، چه اینکه دشمنان همه توتاشان را برای استحاله فرهنگی و فروپاشی «دورنی انقلاب اسلامی به کار گرفته‌اند و در این مسیر بسیار ایدئولوژیک‌تر و اعتقادی‌تر از ما در حال فعالیت هستند. دشمنان ایران کشورمان را یک ابر قدرت پانلمناز می‌دانند که با پشتوانه انقلاب اسلامی یکی از خطرناک‌ترین دشمنان غرب و مدن اومانستی آن است و ما باید بدانیم که عبور از پیچ تمدنی مورد اشاره رهبری و ساختن تمدن بزرگ اسلامی که در بنیانه گام‌موم نیز بر آن تأکید می‌کنند با سراسرهای‌گذاری و تولید آثار متنوع در حوزه فرهنگی و هنری بر محور شخصیت‌ها و قهرمانانی مثل شهید قاسم سلیمانی و تبیین مکتب آنها میسور خواهد شد نه سرگرم شدن به تولید آثار ی مثل «هر هر» «هزارپا»، «پیس‌آبی» یا پرداختن به روزگار و فعالیت افراد بدنامی مثل پری بلندا!

## کلاس شعر

سروده‌هایی در سوگ جانباختگان هوایپمای اوکراینی

## با حسرت یک نگاه، رفتند از دست

جمعی از شاعران کشورمان در واکنش به سالگرد شهادت جمعی از هموطنانمان در حادثه هوایپمای اوکراینی سروده‌هایی را تقدیم مسافران آن کردند.

**سعید بیابانکی در اینبار ه اینگونه سروده است:**

پرنده‌ها همه در باد، تاز و مار شدند

نگاه‌ها همه از اشک، جویبار شدند

مرا ببخش اگر واژه‌های معصوم

خبر رسان خیرهای ناگوار شدند

مرا ببخش اگر روزنامه‌ها امروز

گریستند و غریبانه سوگوار شدند

کسی مرا برساند به آخرین پرواز

رسیده‌ها همه رفتند و ماندگار شدند

رسیده و نرسیده هزار واژه تلخ

برای مرثیه‌ای آتشین، قطار شدند.

بیایفتنه بکاریم دسته‌دسته کیود

برای باغچه‌هایی که بی‌بهار شدند

خبر درشت، خیز سنگدل، خبر این بود:

پرنده‌ها همه در آسمان غبار شدند.

**شعر نغمه مستشار نظامی نیز از این قرار است:**

کلاغ پر، چمدان پر، نیر هواپیما!

کمی بايست... مرا هم بیر هواپیما

کلاغ پر، غزل‌رمی یادبادک پر

تورا گذاشته‌ام پشت سر هواپیما

به خواب رفته گلم خوب خوب می دانست

که فرض خدا نداد ضرر هواپیما

کلاغ پر، غزل‌رمی رود یادبادک پر

از آنکه رفته بیابور خبر هواپیما

به روی صندلی ابرها کنار توام

بخواب عشق من آرام در هواپیما

**شعر حامد احمدزاده نیز از این قرار است:**

با حسرت یک نگاه، رفتند از دست

بی جرم و به اشتباه، رفتند از دست

کو مرگ که مرهمی شود بر دردم؟

افسوس که بی‌گناه، رفتند از دست

**سروده عرفان جعفری از این قرار است:**

حرف بعض است و سینه‌های سوزان

حرف یک اتفاق ناهنگام

هموطن داغ جانگدازی بود

سرمان گرم دشمنان نشود

ما همه باهمیم تا آخر

حرف‌مان حرف دیگران نشود

گر چه سخت است گرچه جاقرف ساست

ما همه نادگار و همدردیم

خسته‌تر از جور این زمانه شدیم

ولی از راه بر نمی‌گرییم

# جوان

**روزنامه جوان** | شماره ۶۳۳ | شنبه ۱۸ دی ۱۴۰۰ | ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۲:۱۱ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۲ | اذان مغرب: ۱۷:۳۸ | شب‌شمه شرعی: ۲۲:۲۶ | طلوع آفتاب: ۵:۴۶ | ۷۰۱۵

**روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران**
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل: محمدجواد اخوان
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قطاع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸
نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴
تولیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۶۳۳ | شنبه ۱۸ دی ۱۴۰۰ | ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۲:۱۱ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۲ | اذان مغرب: ۱۷:۳۸ | شب‌شمه شرعی: ۲۲:۲۶ | طلوع آفتاب: ۵:۴۶ | ۷۰۱۵

روزنامه جوان | شماره ۶۳۳ | شنبه ۱۸ دی ۱۴۰۰ | ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۲:۱۱ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۲ | اذان مغرب: ۱۷:۳۸ | شب‌شمه شرعی: ۲۲:۲۶ | طلوع آفتاب: ۵:۴۶ | ۷۰۱۵

مستند جدید درباره حاج قاسم بالاخره از تلویزیون پخش می‌شود

# ناهماهنگی‌ها

# مانع پخش «۷۲ساعت»

فیلم مستند «۷۲ساعت» روایتی تکان‌دهنده از ۳ روز پایانی عمر حاج قاسم تا لحظه شهادت است

دقیقه بعد مخالفت کرد؟» شوقی که مستند را به رایگان در سایت (72hoursdoc.com) قرار داده بود که مردم آن را تماشا کنند، در توییت دیگری متذکر شد: «شبکه عربی المیادین مستند ۷۲ساعت را پخش کرد، گلاب‌های ندارم و قضاوت بماند برای بعد، دیگر اینکه بسیاری پس از دیدن مستند حقیر را پیدا کردند و پیام محبت‌آمیز دادند، سعی کردم پاسخ همه را بدهم، از دوستانی که نقد کردند هم ممنونم.» شوقی در این توییت‌ها هیچ اشاره‌ای به دلیل مخالفت معاون سیما با پخش مستند «۷۲ساعت» نکرد.

■ **اجازه نهادهای بیرون از سازمان!**

نزدیک یک هفته بعد، معاونت سیما با انتشار بیانیه‌ای دلایل خود را برای پخش نکردن آن مستند بیان کرد و انگشت اتهام را به طرف سازندگان «۷۲ساعت» گرفت. متنی که در پایگاه اطلاع‌رسانی سیما قرار گرفته، به این شرح است: «مستند ۷۲ساعت طبق اعلام مؤسسه تهیه‌کننده قرار بود روز شنبه ۱۱دی از شبکه ۳ سیما پخش شود. با توجه به تراکم برنامه‌های متنوع به مناسبت سالگرد شهادت سردار سلیمانی، مستند یادشده نیز در برنامه پخش سیما در شبکه ۳ از قبل پیش‌بینی و به صورت مکرر اطلاع‌رسانی شده بود ولی مؤسسه تهیه‌کننده مستند ۷۲ساعت برخلاف وعده داده شده تا روز دوشنبه نیز موفق به هماهنگی‌های لازم با نهادهای خارج از سازمان صدا و سیما برای آماده‌سازی نسخه نهایی مستند و تحویل آن نشد.

معاون سیما در ادامه آورده است: تراکم برنامه‌ها و کنکاکتور از قبل تنظیم‌شده شبکه‌ها و تداخل برنامه‌های دیگر نیز امکان پخش این مستند را در روزهای بعد سلب کرد. با تنظیم مجدد کنکاکتور و سبک‌تر شدن آن امکان پخش این مستند فراهم شد و بر این اساس مستند ۷۲ساعت روز شنبه ۱۱دی ماه بعد از خبر ۱۹ از شبکه ۳ سیما پخش خواهد شد. در پایان از همه افراد و نهادهای و مؤسسات رسانه‌ای که خالصانه برای تولید برنامه‌های متنوع در سالگرد شهادت سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی تلاش کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم.»

نکته وقتی جالب‌تر می‌شود که سازنده مستند «۷۲ساعت» سازمان اوج است که علی‌القاعده منتظر می‌رود ملاحظات فرهنگی و امنیتی مربوط

به کار درباره شهید سلیمانی را به خوبی رعایت کرده باشد و نهادهای ناظر نیز پیش از رونمایی از مستند «۷۲ساعت» از محتوای آن باخبر بودند و حتی در صورت وجود نکته‌های خاص می‌شد پس از رونمایی از این مستند جلوی آن را گرفت.
چطور هیچ نهادی نسبت به رونمایی و اکران این مستند واکنشی نداشت اما برای پخش این کار از تلویزیون ملاحظات جدیدی آن هم به شکل مبهم مطرح شد.

■ **عقب ماندن دویاره از فضای مجازی**

همزمان با پخش نشدن مستند ۷۲ساعت از صداوسیما، چندین سامانه اینترنتی داخلی به صورت رایگان این مستند را برای مردم پخش کردند. فیلیمو، نماوا، فیلمنت و عمار یار، از جمله سامانه‌هایی بودند که «۷۲ساعت» را رایگان پخش کردند. صداوسیما نیز بعد از یک هفته تأخیر و پس از آنکه «۷۲ساعت» را بخشی از علاقه‌مندان از طریق فضای مجازی دیده‌اند، اعلام کرده که برای امروز و آن هم پس از «سیک شدن کنکاکتور» امکان پخش این مستند را پیدا کرده است! مستندی که می‌توانست پخش آن برای اولین بار از صداوسیما، این رسانه را به عنوان مرجع انتشار مطرح کند، از سوی رقبای این سازمان به رایگان در اختیار مردم قرار گرفت و یک هفته بعد رسانه ملی متوجه اهمیت پخش اثری تازه درباره شهید حاج قاسم سلیمانی شد!

در هفته گذشته خبر اکران رایگان یک مستند با عنوان «قاسم» در سینماهای سراسر کشور در روز شهادت سردار سلیمانی منتشر شد و به دنبال آن مستند در سینماها اکران شد. حالا انجمن سینمای جوانان ایران اعلام کرده است با همت این نهاد فرهنگی، مستند «۷۲ساعت» در کنار مستند «قاسم» به صورت رایگان برای یک هفته اکران می‌شود. فیلم مستند ۷۲ساعت، روایتی تکان‌دهنده از سه روز پایانی عمر حاج قاسم تا لحظه شهادت است.

## حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت

حکمت



## نقد فیلم

## «گر به سیاه» اسیر کلیشه و بلا تکلیف در فرم

به نظر می‌رسد «گر به سیاه» برای بهرام رادان ساخته شده و در این میان قصه‌ای باریک و لاغر هم به آن گنجانده شده و پارادوکس زندگی مرفه و فقیرانه با قاب‌هایی از آدم‌های بی‌سرنپناه نمی‌تواند فیلم را دغدغه‌مند نشان دهد



■ **افشین علیار**

کریم امینی در ساخت «گر به سیاه» به عنوان دومین فیلم سینمایی‌اش به نظر می‌رسد انگیزه کافی برای پرداخت

به موضوعی را که به آن اشاره کرده نداشته است چراکه او فقط موضوعی را در قالب یک مولود اجتماعی طرح می‌کند و نمی‌تواند آن را به مخاطب ارائه کند، به همین

جهت ما با یک متن نامتسجم طرف هستیم که گرایش اجتماعی آن برای فیلمساز مسئله نیست، یعنی امینی سعی کرده است به مسائل روز مثل بلاگری و اینفلوئنسر‌ها

یا شاخ‌های مجازی بپردازد اما دما فیلمش به شدت اسیر کلیشه‌های نخ‌نمایی شده نمی‌تواند دغدغه‌مند باشد

و آن چیز و که روی پرده دیده می‌شود، حاصل نابلدی در متن و روایت است.

اینکه فیلمساز فقر را در اتفاقات باسهم‌ای و تکراری نشان دهد، اینکه وحید را در طول چند روز از فرش به عرش برساند یا آرمان را به عنوان یک جوان طوری نشان بدهد که اختلاف عقاید پدرش است و دوست دارد یک تین‌باغی مرسوم باشد، جواب نمی‌دهد. از سویی دیگر گر به سیاه برای بهرام رادان است و اینکه چرا باید او نقش خودش را بازی کند یا وجود اینکه کار کردی برای فیلم ندارد، ابهام‌آمیز است. فیلمساز دوربینش به سمت زندگی رادان است و زندگی لاکچری او تناقض شدیدی در روایت ایجاد کرده است. فیلمساز فکر کرده می‌تواند با نشان دادن آشفته‌گی‌های درون خانوادگی و اجتماعی به آسیب‌شناسی بی‌برسد اما گر به سیاه از دیاد موقعیت‌های سطحی نمی‌م‌برد مانند زندگی‌رها با نادری‌اش که مشخص نمی‌شود دلیل اصلی زندانی شدن مادرش چیست، دعواهای‌رها با نادری‌اش و آنچه از موقعیت خانه آنها می‌بینیم (بندری عباش و اسیر منقل و وافر) یا آن اجتماع آدم‌های بی‌بانه که موقعیت دراماتیک و جغرافیایی مشخصی ندارند، قطعاً نمی‌تواند جهان فیلم را به درام یا آسیب اجتماعی تبدیل کند، همچنین ورود رها و آرمان و وحید به خانه رادان به دلیل حضور آن نگیهان بی‌دست و با همان قدر عجیب است که رها بدون هیچ پیش‌درآمدی عاشق و دل‌خسته رادان می‌شود که مخاطب نمی‌فهمد علاقه او به رادان از منطق عقلانی می‌آید یا فقط یک حس گذرا برای آسیب‌رساندن به موقعیت‌ها است. از سویی فیلمساز به نابلندی

روایی هیچ اعتقادی ندارد. اینکه چطور می‌شود وحید که یک پیک موتوری بوده و عاشق نامزدش است بیکاره تبدیل به بلاگر یا شاخ دنیای مجازی شود و نامزدش را هم فراموش می‌کند. فیلمساز فارغ از منطق درون داستان و آنچه باید در روایت کاشت شود، جامپ می‌کند و اینکه فقط سعی داشته است به جوانان و شاخ‌های مجازی بپردازد، تک مهم و قابل اهمیتی است اما در این مسیر حضور یک بازگر که نقش خودش را بازی می‌کند، چه

سودی برای فیلم دارد؟ به نظر می‌رسد گر به سیاه برای بهرام رادان ساخته شده و در این میان قصه‌ای باریک و لاغر هم به آن گنجانده شده و اساساً پارادوکس زندگی مرفه و زندگی فقیرانه با قاب‌هایی از آدم‌های بی‌سرنپناه نمی‌تواند کارگردان را دغدغه‌مند نشان دهد. معتمد فیلمساز اگر قصه رادان را حذف می‌کرد و به مسیر شاخ شدن یک جوان موتوری در فضای مجازی می‌پرداخت، گر به سیاه می‌توانست فیلم قابل تحملی باشد.

به طور مثال در فیلم سوپرستار با چنین مضمونی مواجه بودیم که البته در آن فیلم نسبتاً پرداخت‌ها با انسجام بیشتری همراه بود، اما اینجا دوربین جسی خودش را نمی‌شناسد و در بیشتر سکانس‌ها نمی‌تواند تکیه به مخاطب انتقال دهد. در کارگردانی به هیچ وجه نکته‌ای دیده نمی‌شود. فیلم در همان اندازه اثر اول کارگردان، یعنی دشمن زنت و هیچ از تقابلی بروز نمی‌دهد. بازی‌ها به دلیل مشکلات اساسی در متن نتواند قابل قبول باشد. حضور تران پروانه به دلیل سوع کاراکتر ما را یاد فیلم فراری می‌اندازد. امینی هیچ کنترلی در بازی حسین پور کریمی و کیارا کنی نداشته و در بیشتر سکانس‌ها بازی آنها به شدت بیرون می‌زند.

روزنامه جوان | شماره ۶۳۳ | شنبه ۱۸ دی ۱۴۰۰ | ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۲:۱۱ | غروب آفتاب: ۱۷:۰